

عالم ذر

فریبا چناری

انتشارات ناس

بهار ۸۵

چناری، فریبا
عالم ذر / فریبا چناری. -- تهران : ناس ، ۱۳۸۴ .
یا، ۵۷ ص.

ISBN 964-9917-10-1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۵۵ - ۵۷.

۱. ازلیت -- جنبه‌های قرآنی. ۲. ازلیت -- احادیث. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۱۵۹

چ ۹۴۳ الف / ۱۰۴ BP

۸۴-۳۴۵۲۳ م

کتابخانه ملی ایران

عالم ذر

مولف: فریبا چناری

ناشر: انتشارات ناس

چاپخانه: پیام

چاپ اول-۱۳۸۵

تیراژ: ۲۰۰۰

شابک: ۹۶۴-۹۹۱۷-۱۰-۱

انتشارات ناس:

ناصر خسرو - کوچه حاج نایب - تلفن ۳۳۱۱۹۱۳۱

میدان انقلاب - خیابان منیری جاوید - پلاک ۲۰۲/۲۰۰

تلفن: ۶۶۴۱۴۲۵۴

فهرست مطالب

نظر مفسران متعدّد در مورد عالم ذر.....	۱
عالم ذر کجاست؟.....	۲۰
مخالفان و موافقان عالم ذر.....	۲۳
چگونگی شهادت دادن و شهادت خواستن.....	۲۷
عالم ذر از دیدگاه روایات.....	۳۹
منابع و مأخذ.....	۵۵

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَآشْهَدَهُمْ
عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ
الْقِيَمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

ترجمه: و به یاد آور هنگامی که خداوند از پشت بنی آدم ذریه
ایشان را آورد و آنها را بر خویشتن گواه گرفت و گفت آیا من خدای
شما نیستم؟ گفتند: آری شهادت دادیم تا روز قیامت نگویید ما از
این امر غافل بودیم. (سوره اعراف آیه ۱۷۲)

آیه شریفه از مشکلات آیات بلکه از متشابهات قرآنی است و
تأویلات تفسیرات حکماء و متکلمین و مفسرین در این آیه زیاد
است و نقل کلمات آنها و رد و ایراد هر یک بر دیگری بسیار است.
در برهان ۳۶ حدیث از کافی کلینی و من لا یحضر صدوق و

امالی طوسی و سید رضی و عیاشی و غیر هم روایت کرده و در مجمع‌البیان این احادیث را رد کرده به دعوی اینکه اینها بین موقوفه یا مرفوعه است و رد اینها بعد از اخذ از کتب معتبره و فوق حد تظافر من حیث السند بسیار مشکل است بلی من حیث الدلاله می‌توان گفت از متشابهات اخبار است و بالجمله اسلم این است که رد علم آنرا به خدا و راسخون در علم نمائیم چنانچه می‌فرماید: **وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ** آل عمران آیه ۷ و اگر چیزی در این مورد بگوئیم به نحو احتمال است و اقرب به نظر نه به نحو جزم و یقین.

و خلاصه آنچه به نظر می‌رسد این است که خداوند تبارک و تعالی ارواح بندگان را قبل از اجساد آفرید و این ارواح در عوالمی سیر دارند که یکی در همین عالم تعلق به اجساد گرفته و مناط تکلیف و ثواب و عقاب در این عالم است و یکی به عالم مثال که صور برزخیه و قالب به مثالی صورت بدون ماده.

و من جمله از این عوالم عالم ذر است که خداوند تمام ذرّیه آدم را تا روز قیامت در صلب حضرت آدم قرار داد آن هم نه به نحو عرضی تا مورد بعض اشکالات شود و خلاف ظاهر آیه باشد؛ بلکه به نحو طولی مثلاً جناب‌عالی در صلب پدر و او در صلب جد و هکذا پس به یک معنی همه در صلب آدم و به یک معنی هر یک در صلب پدر بلاواسطه خود و می‌توان همه را ذرّیه آدم گفت و نسبت مفرد داد چنانچه از قول شیطان می‌فرماید: **لَا حَتَّيْكَنْ ذُرِّيَّتَهُ** و

می‌توان هر یک را ذرّیه دیگری گفت و نسبت جمع داد چنانچه در این آیه است و همچنین می‌توان گفت همه در ظاهر آدم بودند و می‌توان گفت هر یک در ظاهر دیگری چنانچه در آیه تعبیر به **ظُهُورِهِمْ وَ ذُرِّيَّتُهُمْ** فرموده و علل طولیه هم همین نحو است ممکن است تمام را نسبت به **عِلَّةُ الْعِلَل** داد و ممکن است بگوئی هر یک معلول علت خود است و با این بیان بسیاری از اشکالات که کرده‌اند حل می‌شود.

و مطلب دیگر آنکه خداوند قادر متعال پس از اخراج این ذرّیات ارواح را که از مجردات بودند هر یک را تعلق به یکی از این ذرّاری داد که این اولین تعلق ارواح بود اینها دارای عقل و شعور و ادراک شدند چنانچه قبل از تعلق در همان عالم ارواح دارای عقل و شعور و ادراک بودند؛ بنابر این قابل خطاب و سوال و جواب شدند و اشکال به اینکه اگر چنین بود باید اقلاً بعض آنها متذکر آن عالم باشند نه به کلی غافل شوند این هم مدفوع است به نقض به عالم ارواح که جنود مجنده بودند و تآلف و تناکر داشتند و در این عالم احدی خبر از آن عالم ندارند و خداوند به توسط انبیاء و اوصیاء خبر داده و همچنین در عالم قیامت که می‌فرماید: **يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصِيهِ اللَّهُ وَ نَسُوهُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ**. مجادله آیه ۶ خداوند به واسطه نامه‌های اعمال و شهادت اعضاء و جوارح و ملائکه کتبه و انبیاء و ائمه اثبات می‌فرماید در این مورد هم به شهادت قرآن بیان فرموده و در بعض

اخبار دارد که مجرد اقرار به توحید نبوده؛ بلکه اقرار به نبوت حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام هم گرفته شده **هَذَا مَا عِنْدَنَا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ** و با این بیان ممکن است دفع اشکالات وارده و جمع بین مفاد اخبار نمود و آنرا در عهده علماء اعلام می گذاریم و می رویم.^(۱)

شرح لغات آیه شریفه: چنانکه دانشمندان لغت گفته اند: ذریّه در اصل به معنی فرزندان کوچک و کم سن و سال است؛ ولی غالباً به همه فرزندان گفته می شود، گاهی به معنی مفرد و گاهی به معنی جمع استعمال می گردد؛ اما در اصل معنی جمعی دارد. در باره ریشه اصلی این لغت احتمالات متعدّدی داده شده است:

بعضی آن را از ذره (بر وزن زرع) به معنی افزایش می دانند؛ بنابر این مفهوم اصلی ذریّه با مفهوم مخلوق و آفریده شده برابر است.

و بعضی آن را از ذر (بر وزن شر) که به معنی موجودات بسیار کوچک همانند ذرات غبار و مورچه های بسیار ریز می باشد دانسته اند، از این نظر که فرزندان انسان نیز در ابتداء از نطفه بسیار کوچکی آغاز حیات می کنند.

سومین احتمال که در باره آن داده شده این است که از ماده

۱ - ر.ک - طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام چاپ سوم ۱۳۶۶ ش، ج ۶، ص ۲۴.

ذرو (بر وزن مرو) به معنی پراکنده ساختن گرفته شده و اینکه فرزندان انسان را ذریّه گفته‌اند به خاطر آن است که آنها پس از تکثیر مثل به هر سو در روی زمین پراکنده می‌شوند. (۱)

اخذ در آیه به معنی گرفتن به طور جدا کردن چیزی از چیزی و خارج کردن است مثل چیدن گلی از بوته‌ای که عبارت اخرای خارج بردن نطفه از انسان باشد.

لفظ (من) در هر دو مورد به علت آمدن (اخذ) است که در مأخوذ منه باید (من) باشد کلمه من ظهورهم بدل است از من بنی‌آدم و تقدیر آن چنین است وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ ذُرِّيَّةً بَنَى آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ؛ یعنی آنگاه که خدای تو فرزندان بنی‌آدم را از پشت پدران گرفت و جدا کرد.

می‌دانیم که از اوّل خلقت خداوند انسانهای بی‌شماری را از صلب پدران گرفته و جدا کرده و در آینده تا قیامت چنین خواهد کرد حال آنکه لفظ (اخذ) به صورت ماضی حاکی است که این کار شده و گذشته است ناگفته نماند مسأله زمان، گذشته، آینده، شده‌ها و آنچه در آینده خواهد شد، نسبت به ما انسانها است که در مسیر زمان قرار گرفته‌ایم اما نسبت به خدا گذشته و آینده وجود ندارد و آنچه نسبت به ما در آینده خواهد شد نسبت به خدا یک چیز موجود است علی‌هذا این حکم در باره آیندگان نیز صادق

۱- ر.ک - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ بیست دوم تابستان ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۴.

است که آنها نسبت به خدا آمده و شده‌اند.^(۱)

آیه بیان آن است که همه افراد از سلسله بشر که در عالم ازلی گذشته که از صلب آدم و از اصلاّب فرزندان او تا آخرین افراد بشر که مقرر است به وجود آیند، همه آنها بوجود نوری در پیشگاه ساحت پروردگار که مسطوره صفات فعل او است حاضر بودند به همه آنها نیروی شهود موهبت فرمود به اینکه حاجت ذاتی و مخلوقیت خود را مشاهده نمایند که هر یک شعاع و پرتوی از ساحت پروردگارند و به فیض پی‌درپی او نیازمند هستند.

و کلمه (ان) از ظرف سابق بر زمان خطاب حکایت می‌نماید و مفاد جمله آن است که ظرف واقعه در آن عالم نوری که مسطوره صفات فعل پروردگار است همه افراد از سلسله بشر حضور داشتند با نیروی شهود که به آنان موهبت فرموده و آیه آن عالم را به نام صحنه شهود و اشهاد و یا عالم عهد و پیمان نامیده است.

وَ أَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ: این صحنه اختصاص به سلسله بشر دارد و یگانه موهبتی است که پروردگار به آنان موهبت فرموده که با این نیرو خودشناس و خداشناس شوند و حاجت ذاتی خود را بیابند که پرتوی از حریم کبریایی هستند و لطیفه کمالات نوع بشر و یگانه امتیاز افراد بی‌شمار آنان از یکدیگر بر محور این نیرو دور می‌زنند و یگانه ودیعه‌ای است که پروردگار به سلسله بشر به امانت

۱- ر.ک - قرشی، سید علی اکبر، احسن الحديث، انتشارات واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۳۴.

سپرده است.

اَللّٰهُتُّ بِرَبِّكُمُ: نخستین خطابی است که از حریم کبریایی شرف صدور یافت و در آن صحنه اشهاد بر سلسله بشر منت نهاد و تا ابد او را مسئول این موهبت معرفی فرمود که پیوسته به سپاس این نعمت قیام نمایند و بدین خطاب نیز اعلام نمود که برای سلسله بشر زندگی با نظام دیگری و حساب جداگانه‌ای مقرر نموده و آنان را به معرض آزمایش در خواهد آورد و حیات و زندگی جاودان به آنان موهبت خواهد فرمود و رابطه ساحت پروردگار با موجودات فقط ایجاد و افاضه است و خطاب و سخنان او نیز تعلیم وجودی و افاضه نیروی شهود خواهد بود.

بر حسب نظام اشرف پروردگار آغاز به قدسیان (پیامبران) نیروی شهود زیاده بر تصویری موهبت فرموده و رسول گرامی صلی الله علیه و آله و اوصیاء (علیهم السّلام) را بر پیامبران فضیلت داده بر این اساس سبقت نموده و در مقام انقیاد و اظهار عبودیت بر آمده‌اند و گوی فضیلت و سبقت را در همه عوالم و نشئات بر پیامبران و بر سلسله بشر ربوده‌اند و موهبت شهود به آنان در این نظام اختیار بصورت روح قدسی ظهور می‌نماید و وسائط فیوضات تکوینی هستند و سمت تعلیم و رهبری سلسله بشر را نیز به عهده گرفته‌اند و مراتب نازل از نیروی شهود نیز در نظام اختیار به صورت روح ایمان و تقوی ظهور می‌نماید و حکم فطرت خداشناسی که در نهاد بیگانگان است عبارت از نیروی شهودی

است که مشوّب به تیرگی بوده و در این جهان در اثر سیر و سلوک
اختیاری آمیخته به عناد و کفران شده است.

عالم شهود و پیمان ملکوت عالم انسانی است و نخستین سیر
و سلوک سلسله بشر و توجّه به سوی آفریدگار است و سایر عوالم و
نشانی که بشر می‌پیماید، شرح و بسط و عالم ملکوتست و همه
ظهور صفت فعل پروردگارند.

بدین جهت عالم شهود ثابت و مستقر و ابدی خواهد بود و
همه مراحل کمال و فضیلت افراد بشر ظهور نیروی شهود و
خداشناسی است که در آن عالم به بشر موهبت شده است و
اختلاف سلسله بشر در این جهان از لحاظ ایمان به یگانگی
پروردگار و شرک ظهور همان پاسخ است که هر فردی در عالم ذر
به طور شهود به ربوبیت پروردگار اقرار نموده و خود را پرتو و ربط
محض به حریم کبریایی مشاهده نموده است؛ ولی شهادت محض
آنان آمیخته به تیرگی بوده و در این جهان در مسیر ارادی و
عقیده و سیر و سلوک خود که بر اساس اختیار است شرک آنان به
ظهور رسیده است. همچنان که هر خردمندی به حکم فطرت به
یگانگی پروردگار و وحدت تدبیر او حکم می‌نماید؛ ولی بت پرستان
به حکم فطرت توجّه ننموده، در تدبیر نظام جهان برای پروردگار
شریک قرار داده و از نظر تیرگی فکر و اندیشه بر روان خود پرده
عناد آویخته‌اند.

قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا: بر این اساس خطاب اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ در آغاز

به قدسیان توجّه داشته و به طور شهود انقیاد و عبودیت ذاتی خود را به حریم کبریایی تقدیم نموده، سپس سلسله بشر نظر به وساطتی که ارواح قدسی دارند از آنان طریقه انقیاد را آموخته و از پاسخ آنان پیروی نموده، بی دریغ به حاجت ذاتی و مخلوقیت خود اقرار نموده به زبان وجودی گفتند پیوسته نیازمندیم و از پرتو فیض پی در پی آفریدگار بهره مند هستیم.

و نیز گفته شده که آیه از عالم شهود و پیمان که سابق بر زمان خلقت بشر است حکایت نمی کند؛ بلکه مفاد آیه آن است که پروردگار در این جهان تکلیف و آزمایش به نیروی خرد و خداشناسی که در فطرت هر فردی نهاده او را در مقام تفحص و معرفت خالق خود و پدید آورنده جهان در می آورد که او را بشناسد در آن هنگام به لسان حال و به زبان وجودی و نیز به حکم فطرت پروردگار به وی خطاب می نماید و او را به ساحت کبریایی رهبری نموده که جز جهان آفرین صانع و مدبّر نیست که این جهان پهناور را با نظام مرتبط و پیوسته آنرا تدبیر نماید. هر لحظه به لسان حال این خطاب از حریم کبریایی نسبت به هر یک از افراد بشر صادر می شود و با نیروی خرد نیز بشر این خطاب را از هر موجود و آفریده ای می شنود و می یابد.

و در باره مفاد جمله **قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا** گفته شده که بشر به حکم خرد در مقام تفحص و معرفت آفریدگار خود برآید و به خود پاسخ می گوید: بلی، به طور شهود و بدهاقت می بینم و می یابم که

این جهان پهناور را پروردگار از کتم عدم به عرصه هستی در آورده و پیوسته آنرا به سوی مقصد سوق می‌دهد و یا نیروی خرد همه موجودات را نیز هم آهنگ خود می‌یابم، این نظر بر خلاف صریح آیه است؛ زیرا جمله **وَإِذَا أَخَذَ رَبُّكَ** از طرف سابق بر زمان خطاب حکایت می‌نماید و در صورتیکه خبر از زمان خطاب بود جمله به هیئت **لَقَدْ أَخَذَ رَبُّكَ** گفته می‌شد.

و نیز جمله **أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ** خطاب از حریم کبریایی در صحنه شهود و اشهاد شرف صدور یافته نه به لسان حال و حکم خرد که بشر با نیروی فکر آن را بشنود و بفهمد.

و نیز مفاد جمله **قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا** پاسخ حقیقی است و گر نه در این جهان بیگانگان هرگز به این چنین اندیشه‌ای پاسخ نمی‌دهند، در صورتیکه بر حسب آیه همه افراد بشر از اولین و آخرین در آن صحنه شهود به جواب مثبت پاسخ داده‌اند و به قراین لفظی که گفته شد، آیه از ظرفی که بر حسب رتبه سابق بر زمان خطاب و نزول قرآن است حکایت می‌نماید و نخستین عالم از عوالم و نشاناتی را که بشر پیموده، معرفی می‌نماید.

أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ: تقدیر جمله **أَنْ لَا تَقُولُوا** می‌باشد و بیان نتیجه نیروی شهودی است که پروردگار در نخستین عالم سیر و سلوک بشر به سوی پروردگار به وی موهبت فرموده است و از هر یک نیز پیمان گرفته و عذری برای آنان در پیشگاه عدل پروردگار باقی نگذاشته و نگویند: پروردگار نیروی خرد و تفکر به ما

موهبت ننموده و خداشناسی و غرض از خلقت را به ما معرفی
ننموده و از نظر قصور و جهالت نه مسیر خود را شناخته‌ایم و نه
آفریدگار جهان را.^(۱)

۱- ر.ک - حسینی الهمدانی، سید محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، انتشارات کتاب
فروشی لطفی، ۱۳۸۰ ق، ج ۷، ص ۱۱۱.